

رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی در فرایند رسیدگی به جرایم تروریستی

✉ p_namamian1512@yahoo.com

پیمان نامامیان

دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران

چکیده: به‌عنوان یک برچسب، «تروریسم» یا «تروریست» یک اثر انگ قوی دارد و مدت‌هاست که به‌صورت راهبردی برای مشروعیت‌زدایی از دشمنان، مورد استعمال قرار گرفته است. در ضمن، «تروریسم» یک مفهوم حقوقی است که در طیف وسیعی از رژیم‌های حقوق بین‌الملل به آن پرداخته می‌شود. اقدامات تروریستی و چالش‌های ناشی از آن موجب گردیده جامعه بین‌المللی اسناد متعددی را در مواجهه با آن‌ها به تصویب رساند. در چهارچوب تصویب اساسنامه ژنوا در سال ۱۹۹۸ و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، سازوکاری برای مقابله با جرایم بین‌المللی مورد اهتمام مقرر گردید. در سال ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، پیشنهادی مبنی بر درج یک طبقه دیگر از جرایم در چهارچوب صلاحیت قضایی دیوان از جمله «جرایم معاهداتی» شامل تروریسم، قاچاق مواد، آپارتاید و تخلف فاحش و شدید از کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو را ارائه کرد که عدم توافق نظر در این رابطه، موجب گردید تروریسم در چهارچوب صلاحیت قضایی دیوان قرار نگیرد. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برخلاف دیگر وقایع توجه جامعه بین‌المللی را نسبت به پدیده تروریسم متمرکز کرد. مسائل شناخته شده در نظام حقوق بین‌الملل در زمره آن دسته از چالش‌هایی است که تروریسم موجبات آن را فراهم کرده است. واژگان کلیدی: جرایم تروریستی، رویه قضایی، محاکم کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی

استناد: نامامیان، پیمان. (۱۴۰۴). رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی در فرایند رسیدگی به جرایم تروریستی. دوفصلنامه رویه قضایی، ۱ (۱)، ۱۸۵-۲۰۴.

<https://doi.org/10.22034/juris.2025.724888>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

تلاش‌های جامعه ملل برای یافتن تعریف حقوقی و قابل پذیرش از تروریسم با شکست مواجه گردید.^۱ علت اصلی این امر آن است که اعضای جامعه در رابطه با این مسئله که «آیا باید مبارزان آزادی (آزادی خواهان) را در چنین تعریفی لحاظ نمود؟» به اجماعی قابل قبول دست نیافتند. به همین علت، اصول و قواعد حقوق بین الملل مرتبط با تروریسم به گونه‌ای غیراصولی توسعه یافته که شامل ساختاری سازمان‌نیافته از معاهدات راجع به روش‌های خاص تروریسم می‌باشد.

نحوه و چگونگی انتخاب و گزینش معاهدات جهت تصویب و درج در نظام تقنینی داخلی توسط خود کشورها صورت می‌پذیرد. از این رو، محاکمه اعمال تروریستی که در چهارچوب معاهدات گوناگون قرار می‌گیرند، تنها توسط دادگاه‌های حقوقی صورت می‌گیرند. گستردگی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دارای ابعاد تکان‌دهنده‌ای بود به طوری که نگرانی فوری و گسترده جهان را برانگیخت. حتی دولت «جورج بوش»^۲ که در رابطه با اکثر امور و مسائل تروریستی، منفعل بوده و تشخیص داد که همکاری همه‌جانبه برای جلوگیری از حملات بیشتر توسط یک سازمان تروریستی که دنیا را احاطه کرده، ضروری و بایسته می‌باشد. از این رو شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ قطعنامه ۱۳۶۸^۳ را صادر نمود که مورد حمایت آمریکا واقع گردید. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۴ بر ضرورت «همکاری کلیه دولت‌ها» به منظور محو و سرکوب اعمال تروریستی تأکید نمود. نیل به این هدف، در گرو پیگرد و دستگیری مناسب و محاکمه موفقیت‌آمیز تروریست‌ها می‌باشد. ابزار کاربردی در این رابطه باید کارآمد و اثربخش باشد. البته نمی‌توان به کشورها اجازه داد تا آزادی‌ها و حقوق اساسی بشر را که در اسناد حقوق بشر بین‌المللی تحت حمایت واقع شده، به مخاطره اندازند.

با این اوصاف ابزار حقوقی مؤثر و کارآمد می‌تواند دیوان کیفری بین‌المللی باشد که اساسنامه آن در هفدهم ژوئیه ۱۹۹۸، به تأیید ۱۲۰ دولت از مجموع ۱۶۰ دولت شرکت‌کننده در کنفرانس

1. See Convention for the Prevention and Punishment of Terrorism, at art. 1 para. 2, League of Nations Doc. C.546 M.383 1937 V (1937); Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind: Report of the International Law Commission, 43d Sess., U.N. Doc. A/46/10 (1991).

2. George W. Bush

3. U.N. SCOR, 56th Sess., 4370th mtg., U.N. Doc. S/RES/1368 (2001).

4. U.N. GAOR, 56th Sess., 1st plen. mtg., Agenda Item 8, U.N. Doc. A/RES/56/1 (2001).

دیپلماتیک رُم رسید و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد.^۱ هر چند دیوان تنها از صلاحیت قضایی نسبت به خطرترین جرائم در حقوق بین‌الملل (جنایات جنگی، جنایات ضدبشری و نسل‌کشی) برخوردار است، اما پیش‌نویس ۱۹۹۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل مختص به دیوان کیفری بین‌المللی، درج یک طبقه دیگر از جرائم در حیطه صلاحیت قضایی دیوان از جمله «جرائم معاهداتی»^۲ را پیشنهاد کرده است. این نوع از جرائم، شامل جرائمی از قبیل تروریسم، قاچاق مواد، آپارتاید و تخلف فاحش و شدید از کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می‌باشند که بنا بر نظام‌های معاهداتی مختلف کیفری شناخته می‌شوند. با این وجود کمیته مقدماتی اساسنامه رُم، قویاً احساس کرد که اساسنامه دیوان باید به جای ارائه فهرستی محض از جرائم در حیطه صلاحیت قضایی خود، جرائم مذکور را تعریف و مشخص کند. عدم توافق جامع راجع به تعریف جرائم معاهداتی، موجب گردید تا تروریسم در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار نگیرد. قطعنامه از سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد در مورد تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی تصریح کرد که مجمع دولت‌های عضو می‌تواند جنایات تروریستی را در گام بعدی به حیطه صلاحیت قضایی این دیوان اضافه نماید.^۳

هر چند محاکمه مرتکب یا مرتکبان اعمال تروریستی در مقام تروریسم جزئی از اساسنامه دیوان نمی‌باشد، اما وجود چنین اعمالی می‌توانند در حیطه تعریف یکی از جرائمی قرار گیرند که بیشتر در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار گرفته‌اند؛ یعنی جرائم و جنایات ضد بشری. در واقع «ماری رابینسون»^۴ کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، طی ایراد سخنرانی در «مؤسسه صلح آمریکا» در واشنگتن^۵ تصریح کرد: «حملات ۱۱ سپتامبر مسبب ایجاد چنین جرائمی هستند.» ارزیابی اصولی از تعریف جنایت ضدبشری در اساسنامه که در کنار عناصر جرم گنجانده شده حاکی از آن است که حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ واجد شرایط «قتل»^۶ و «اقدامات ضدبشری»^۷ هستند که

1. *Rome Statute of the International Criminal Court*, U.N. Doc. A/CONF.183/9 (1998) [hereinafter "Rome Statute"].

2. Treaty Crimes

3. *Final Act of the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court*, Annex 1, Res. E., U.N. Doc. A/CONF.183/10 (1998).

4. Mary Robinson

5. The U.S. Institute of Peace in Washington

6. murder

7. Inhumane acts

به صورت بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته به غیرنظامیان واقع شده‌اند.^۱ البته نظر «راینسون» تا آنجا که دیوان صلاحیت قضایی بر جرائمی که پیش از ارتکاب واقع شدند را ندارد و تشکیل دیوان تا اول جولای ۲۰۰۲ نیز محقق نشده بود، فرضیه‌ای بیش نبود.^۲ همچنین چندان لازم به ذکر نیست که اذعان شود اعمال مشابهی که در آینده رخ می‌دهند نباید از حیطه صلاحیت قضایی دیوان از میان برداشته شوند. بنابراین ارزیابی نقشی که دیوان در محاکمه و ممانعت از اعمال تروریستی می‌تواند ایفا نماید، مورد اهتمام است. بنابراین برای تجسم آتیه و توان دیوان در این رابطه، نباید تنها دیوان منفک از سایر دادگاه‌های قادر به محاکمه مرتکبان به اعمال تروریستی ارزیابی شود، بلکه باید دیوان را با آن‌ها مقایسه کرد. چنین اقدامی هرگونه نقص و کاستی در سایر دادگاه‌ها را آشکار ساخته و روشن می‌کند که «آیا دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند گزینه بهتری باشد؟»

برای گردآوری مباحث و مسائل مطروحه در این مقاله، از روش فیش برداری اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. از این رو، روش مطالعه و پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از حیث گردآوری داده‌ها، توصیفی و کتابخانه‌ای است.

۱. تعهدات بین‌المللی و مفاهیم ضدتروریستی

افزون بر تعریف تروریسم، تناسب رژیم‌های حقوقی مربوطه برای پاسخ به خشونت دولتی (زمانی که خشونت با تعریف تروریسم انطباق دارد) در حقوق بین‌المللی مورد مناقشه است. می‌توان این ادعا را به هر طریقی اثبات کرد. عناصر خاصی از تعریف «تروریسم» از طریق توسعه حقوق بین‌المللی که خشونت را طی پنجاه سال گذشته تنظیم می‌کند، پدیدار شده‌اند. این قواعد اولیه حقوق بین‌المللی منعکس‌کننده حداقل دو رویکرد متفاوت و فرابخشی برای تنظیم آنچه که ممکن است به طور گسترده به عنوان خشونت تروریستی تعریف شود، منعکس می‌شود (Trapp, 2023: 548-550)؛ از یک سو، ممکن است رویکردی در چهارچوب «ویژه تروریسم» اتخاذ گردد، تا آنجا که تروریسم را به عنوان شکل منحصر به فرد خشونت مورد توجه قرار می‌دهد. چنین رویکردی را می‌توان از رویکردی کلی‌تر که تروریسم را به عنوان گونه‌ای از دسته وسیع‌تری از خشونت تنظیم می‌کند، متمایز کرد. از سوی دیگر، ممکن است رویکردها را با چهارچوب مسئولیتی که آن‌ها عمدتاً به آن می‌پردازند احراز گردد، خواه این مسئولیت دولتی باشد یا مسئولیت کیفری فردی. در خصوص چهارچوب مسئولیت این رویکرد دوم، مسئولیت دولتی و مسئولیت کیفری فردی به طور بالقوه درگیر هستند. این رویکرد، برای تنظیم خشونت تروریستی در حقوق بین‌الملل، عمومی‌تر است و تروریسم

1. *Rome Statute*, art. 7.

2. *See supra* text accompanying note 6.

را به‌عنوان گونه‌ای از دسته وسیع‌تری از خشونت می‌پردازد.^۱ رویکرد سوم، نسبتاً جدیدتر، ترکیبی واقعی از این دو رویکرد است و به شکل «قانون ضدتروریستی شورای امنیت» است که به خودی خود، هیچ یک از این رویکردها، «تروریسم» را به‌طور کامل تعریف نمی‌کنند، اما در کنار هم، می‌توان آن‌ها را به‌نحوی درک کرد.^۲

در چهارچوب حقوق بین‌المللی، دولت‌ها به‌عنوان بازیگران بالقوه تروریستی و عوامل سرکوب تروریسم مورد خطاب قرار گرفته‌اند. از طریق منشور سازمان ملل متحد در مورد منع توسل به زور و قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت که حمایت دولتی و سطوح مختلف حمایت دولتی از تروریسم را نقض ممنوعیت توصیف می‌کند، و از طریق ممنوعیت احکام گروهان‌گیری و ترور غیرنظامیان، دولت‌ها را به‌عنوان بازیگران تروریستی احتمالی خطاب می‌کند.^۳ دولت‌ها به‌عنوان عوامل سرکوب تروریسم از طریق تحمیل تعهدات اجرای کیفری/عدالتی، از جمله تعهد به پیشگیری و مجازات اعمال تروریستی که در چهارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت شده است، خطاب می‌شوند.^۴ در عین حال، اصطلاح «تروریسم» در عمومی‌ترین سطح خود مؤید استفاده از خشونت با انگیزه سیاسی است؛ به‌طور معمول برای اشاره به «شکل یا فن خاصی از خشونت سیاسی ایجادکننده ترس» و نیز «تمرین توطئه‌آمیز اقدام‌های خشونت‌آمیز حساب شده، نمایشی، مستقیم و بدون محدودیت‌های قانونی و اخلاقی»، به دلیل تأثیرات تبلیغاتی و روانی آن بر مخاطبان مختلف و طرفین

1. See Art. 2(4) UN Charter; UNGA Res 2625, 'Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation among States in Accordance with the Charter of the United Nations' (24 October 1970) ('Declaration on Friendly Relations'); Trapp, *State Responsibility for International Terrorism*, at 25, 28–30.

2. See UNGA Sixth Committee, 'Summary Record of the 35th Meeting' (13 February 2023) UN Doc. A/C.6/77/SR.35, at 3–4, referencing UNGA, 'Report of the Ad Hoc Committee Established by General Assembly Resolution 51/210 of 17 December 1996' (2013) UN Doc. A/68/37, at Annex III ('Informal Summary Prepared by the Chair on the Exchange of Views during the Plenary Debate and the Informal Consultations').

3. Art. 2(4) UN Charter; Declaration on Friendly Relations; Trapp, *State Responsibility for International Terrorism*, at 25, 28–30; UNODC, 'Criminal Justice Responses to Terrorism: Key Issues'.

4. Conventions on Terrorism listed by the United Nations Treaty Collection; UNSCR 1373, 'Threats to International Peace and Security Caused by Terrorist Acts' (2001); UNSCR 1540, 'Concerning Weapons of Mass Destruction' (2004); Trapp, *State Responsibility for International Terrorism*; V.J. Proulx, *Transnational Terrorism and State Accountability: A New Theory of Prevention*.

درگیری به طور عمده غیرنظامیان و غیررزمندگان را هدف قرار می‌دهد. با این حال، هیچ تعریف حقوقی واحد یا مورد توافق در سطح بین‌المللی وجود ندارد. این واژه اغلب برای توصیف طیف وسیعی از اقدام‌های انجام شده در پاسخ به شرایط و پدیده‌های مختلف در سطح داخلی و بین‌المللی استفاده می‌شود و استفاده از آن اغلب دارای بار سیاسی است (Stewart, 2018: 6).

یکی از دلایل عدم تعریف در سطح بین‌المللی، پایبندی دولت‌ها به دیدگاه ملی خود در مورد تروریسم است. به علاوه، تاکنون رویکرد ملی به حقوق بین‌المللی معاصر غلبه داشته و هرگونه تلاش برای تعریف تروریسم به عنوان جنایت سازمان‌یافته در سطح بین‌المللی بی‌معنی بوده است. با این حال، نیاز به تعریف پذیرفته‌شده بین‌المللی از تروریسم به طور کامل، آشکار است. فقد تمایل دولت‌ها برای استفاده از تعاریف ملی خود امکان سوءاستفاده‌های احتمالی را ایجاد خواهد کرد. این رویکرد پراکنده گاهی می‌تواند همکاری بین‌المللی را تضعیف کند که نتیجه مثبتی ندارد؛ زیرا تروریسم در قلمرو جامعه بین‌المللی به اقدام‌های سختگیرانه و همکاری بین‌المللی بیشتری نیاز دارد (Defosse, 2021: 11).^۱

فقد اجماع بین‌المللی راجع به تعریف تروریسم و مصادیق آن، برخورد سیاسی کشورها و استفاده ابزاری آن‌ها از گروه‌های تروریستی^۲، انحصار اعمال اصول حقوق بشر دوستانه بر وضعیت‌های جنگی در حالی که بخشی از جرایم تروریستی خارج از صحنه نبرد روی می‌دهد، از عواملی هستند که چالش مذکور را تشدید نموده است (حیدری فرد و پورقصاب امیری، ۱۴۰۰: ۹).

با این حال، «چرا به یک تعریف جهانی برای تروریسم به عنوان جنایت سازمان‌یافته نیاز داریم؟» و «چرا تعقیب و دادرسی تروریسم (نه فقط در سطح داخلی) باید در سطح بین‌المللی هم صورت گیرد؟»

۱. البته لازم به ذکر است که در راستای عدم ارائه تعریفی از تروریسم به عنوان به عنوان جنایت سازمان‌یافته برخی معتقدند عدم تعریف تروریسم منجر به آن شده است که حقوق بین‌المللی کیفری در مبارزه با این پدیده عاجز بماند. در مقابل، این نظر وجود دارد که حقوق بین‌المللی کیفری در قالب کنوانسیون‌های شانزده‌گانه مبارزه با تروریسم و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تا حدود زیادی به مبارزه با تروریسم پرداخته است، اما واقع امر آن است که این جرم‌انگاری‌ها محدود بوده و سازوکاری جامع برای مبارزه ریشه‌ای با تروریسم ارائه نمی‌دهند (فرهادنیا و هنجی، ۱۳۹۸: ۷).

۲. بدیهی است که تروریسم نیمه دولتی به مثابه موج جدید تروریسم، با گروه‌های تروریستی مذهبی موج چهارم متفاوت است. این وجه از تروریسم، کنترل سرزمین را در اولویت قرار می‌دهند، در طیف وسیع‌تری از فعالیت‌های دولتی و حاکمیتی (نه تنها خدمات اجتماعی) مشارکت دارند، بیشتر به دنبال کسب قدرت هستند و دارای عقاید تکفیری‌اند. در نهایت مقاله به این نتیجه می‌رسد که پدیده تروریسم نیمه دولتی در صورت امتداد و گسترش، قابلیت تبدیل شدن به یک موج جهانی را دارد (اسماعیل‌زاده، ۱۴۰۲: ۵۴).

دو طرف یک سکه هستند. از این رو، چهارچوبی که کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم مقرر کرده‌اند موجب شده تا دولت‌ها ملزم به جرم‌انگاری اقدام‌های تروریستی خاص با هدف تعقیب و دادرسی‌های ملی نمایند.^۱ البته با این اوصاف شاید بتوان استدلال نمود که دیگر ضرورتی برای ارائه تعریف جهانی تروریسم برای استعمال در چهارچوب حقوق بین‌المللی کیفری وجود داشته باشد.^۲ نخست، انتساب مسئولیت کیفری فردی به علت جرایم تروریستی از برخی جهات از حاکمیت دولت‌ها حمایت می‌کند. تروریسم به عنوان جرمی علیه امنیت و ثبات، حاکمیت و تمامیت، نهادها و ساختارها، یا اقتصاد و توسعه دولت‌ها شناخته شده است (Boister, 2009: 341-342). در اختیار داشتن یک سازوکار بین‌المللی برای تضمین بی‌کیفری مجرمان تروریستی منجر به افزایش احترام به حاکمیت دولت‌ها در سطح جهانی و مخصوصاً حاکمیت دولت‌هایی می‌شود که این امر موجب شده تا قدرت کافی برای تعقیب و دادرسی این مجرمان تروریستی ایجاد نشود.^۳

دوم، ضرورت توافق راجع به تعریف جهانی واحد برای تروریسم به دلیل شفاف‌سازی، امری الزامی به نظر می‌رسد. هرچند تدوین یک تعریف برای تروریسم نمی‌تواند تا حدود قابل ملاحظه و مؤثری تضمین کند که این واژه مورد سوءاستفاده سیاسی قرار نمی‌گیرد؛ اما محدودیت دولت‌ها در آزادی اقدام برای برچسب‌زنی به مخالفان سیاسی آن‌ها بیشتر خواهد شد.

علاوه بر این‌ها حوادث و جرایم تروریستی طی سال‌ها و دهه‌های اخیر آشکار ساخت تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته می‌تواند چنان پدیده دهشتناکی باشد که به‌مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شود. این واجد شرایط تهدید بودن برای صلح و امنیت بین‌المللی در

۱. با گذشت دو دهه از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تلاش‌های دولت‌ها در قبال تروریسم به‌طور فزاینده‌ای به‌منظور استفاده پیشگیرانه از مقررات کیفری با جرم‌انگاری رفتار پیش از ارتکاب جرم تروریستی، نظیر اقدامات مقدماتی و اقداماتی که به تروریسم مانند حمایت یا حمایت مادی مساعدت می‌کند، کمک می‌کند (Ginsborg, 2021: 133).

۲. علاوه بر پیوندهای تاریخی مطول بین جنایات سازمان‌یافته و حقوق بین‌المللی کیفری، از دید حقوقی، حقوق بین‌المللی کیفری می‌تواند نقش‌های بسیار مهمی در ماهیت گوناگون در تلاش‌های بین‌المللی در قبال این‌گونه جنایات ایفا کند. علاوه بر این، تغییر ماهیت جنایاتی که در حال حاضر در قلمرو صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی است، پیوندهای تجربی نوینی ایجاد کرده است که مبارزه بدون مجازات برای یکی را بدون پرداختن به دیگری پیچیده می‌کند. افزایش مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، مخاصمات نامتقارن و تعداد گروه‌های مسلح غیردولتی و بین‌المللی شدن جنایت سازمان‌یافته منجر به وابستگی متقابل فزاینده‌ای شده است (Strobel, 2021: 237).

3. According to the ICJ, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v Belgium), Joint Separate Opinion of Judges Higgins, Kooijmans and Buergenthal, 14 February 2002 ICJ Rep 2002, paras 41–42.

بسیاری از قطعنامه‌های شورای امنیت^۱ با صراحت اعلام شده است (Margariti, 2017: 7-8).

۲. محاکم ملی

دادگاه‌های داخلی یک کشور از صلاحیت محاکمه افرادی که بر ضد اتباع یا قلمرو آن مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند، برخوردارند. این در رابطه با مفاهیم سنتی قضاوت تنها به این دلیل است که اعمال تروریستی اغلب از نظر حقوقی از جنایت عمومی همچون آدم‌کشی، تمایز پذیر نیستند و این گونه جرایم عمومی از سوی نظام حقوقی ملی به رسمیت شناخته می‌شوند. زمانی که جنایت تروریستی در نظام حقوقی ملی، درج شده باشد مسئله صلاحیت قضایی نیز مطرح خواهد شد؛ درست همانند انگلستان.^۲ دادرسی در دادگاه داخلی کشوری که جرم در آن واقع شده برای شهود، بزه‌دیدگان و وابستگان آن‌ها به سهولت انجام می‌پذیرد. همچنین دادگاه‌های داخلی دسترسی بیشتری را نسبت به شواهد و مدارک دارند.

در دادگاه کشورهایی که قانون داخلی آن‌ها صلاحیت جهانی از نظر دادرسی در مورد چنین جرائمی را اعطا می‌کند، می‌توان مرتکبین جرایم فاحش و خطیر تروریستی را محاکمه نمود. اصل صلاحیت قضایی جهانی حاصل از این شناخت است که جرائم خاص دارای چنان گستره‌ای می‌باشند که نه تنها علیه بزه‌دیدگان و کشوری که در آن رخ می‌دهند، بلکه بر علیه کل بشریت واقع می‌شوند. با این وجود کشورهایی همچون بلژیک، آلمان و اسپانیا اصل صلاحیت جهانی را به رسمیت می‌شناسند.^۳

مقرراتی که نظام حقوقی ملی هر کشور بر اساس آن‌ها عمل می‌کند با هم متفاوت است. این عدم یکنواختی باعث عدم قطعیت نظام حقوقی می‌شود و تشریح را میان دولت‌ها پدید می‌آورد. دولتی

۱. در این زمینه می‌توان به قطعنامه ۲۵۹۷ شورای امنیت طی ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ دائر به یادآوری این امر که داعش از طریق اقدامات تروریستی، اعتقاد افراطی خشونت‌آمیز، حمله‌های گسترده، سازمان‌یافته و گسترده خود علیه غیر نظامیان مشتمل بر محکومیت ارتکاب اقدامات داعش شامل قتل، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، بمب‌گذاری انتحاری، بردگی، فروش به ازدواج اجباری، قاچاق افراد، تجاوز، بردگی جنسی و سایر انواع خشونت جنسی، استخدام و استفاده از کودکان، حمله به زیرساخت‌های مهم، و نیز تخریب میراث فرهنگی نظیر اماکن باستانی و قاچاق اموال فرهنگی، تهدیدی جهانی برای صلح و امنیت بین‌المللی است، اشاره داشت.

2. *Terrorism Act of 2000*, 2000, c. 11 (Eng.).

۳. در سال ۱۹۹۳ پالمان بلژیک قانونی را وضع کرد که به صلاحیت جهانی در خصوص جنایات جنگی اختصاص داشت. تصویب یک اصلاحیه در سال ۱۹۹۹ برای آن قانون، گستره آن را تا جنایات ضد بشری و نسل‌کشی بسط داد. با این حال در ماه ژوئن ۲۰۰۲ دیوان عالی بروکسل رأی داد که بازجویی این جنایات‌ها نباید در بلژیک آغاز گردد، مگر اینکه فرد مظنون در قلمرو این کشور یافت شود.

که اتباعش بزه‌دیده یک عمل تروریستی شده است شاید بر این عقیده باشد که نظام حقوقی ملی دوم با مرتکبان، بیش از حد با ملایمت و ارفاق رفتار می‌کند. در مقابل، امکان دارد شدت مجازات یا عدالت شکلی یک محاکمه از سوی کشور مجری محاکمه قابل قبول پنداشته شود ولی به طور هم‌زمان برای یک کشور ذی‌نفع دیگر نفرت‌انگیز باشد.

یکی دیگر از مزیت‌های دادگاه‌های نظامی این است که مراحل دادرسی به صورت محرمانه می‌باشد و این امر، امنیت کشور درگیر در مخاصمه مسلحانه را حفظ می‌کند. با این حال محرمانه بودن دادرسی مابه‌ازای شفاف‌سازی حقوقی به اتمام می‌رسد و لذا در موقعیت‌هایی که اصلاً درگیری و مخاصمه مسلحانه صورت نپذیرفته قابل تحمل نمی‌باشد. حتی در زمان جنگ راه‌هایی برای تحقق منافع امنیت ملی و تضمین محاکمه عادلانه وجود دارد.^۱

با این اوصاف مسئله مورد اتمام اینکه معیار عدالت شکلی در دادگاه‌ها و محاکمه‌های نظامی می‌تواند کمتر از آن در دادگاه داخلی عادی باشد، یا اینطور برداشت شده که ممکن است کمتر باشد (Anderson, 2002: 598; Kumar Kaytal & Tribe, 2002: 1271-1272). البته دادگاه‌های نظامی نسبت به دادگاه‌های حقوقی از قابلیت بی‌طرفانه‌ای برخوردار نیستند، لذا کشوری که از این نوع دادگاه استفاده می‌کند خود را هدف انتقاد قرار می‌دهد و اگر نتواند استفاده از این دادگاه را توجیه کند احتمالاً هدف انتقام‌جویی قرار می‌گیرد.

جورج بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ یک فرمان نظامی برای تشکیل کمیسیون‌های نظامی^۲ صادر کرد تا ضمن حفاظت از ایالات متحده آمریکا و شهروندان، عملیات نظامی به طور مؤثر اجرا و از حملات تروریستی ممانعت به عمل آید.^۳ فرمان نظامی به طرز دشواری صلاحیت قضایی کمیسیون‌ها را نسبت به اعمال مرتبط با مخاصمه مسلحانه و نیز افراد درگیر محدود نکرد. در نتیجه کمیسیون‌های مذکور از قدرت و اختیار محاکمه شهروندان غیرآمریکایی که عضو القاعده باشند و در لطمه زدن یا همکاری در لطمه زدن به ایالات متحده آمریکا نقش داشته باشند برخوردار بوده^۴ و این صلاحیت قضایی به دیگر شهروندان غیرآمریکایی که محاکمه آن‌ها به نفع

۱. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق از رمز پردازی برای حفظ جان شهود و منافع امنیتی استفاده کرد. علاوه بر این، مقررات آیین دادرسی دادگاه، دادستان را قادر ساخت اطلاعات حساس را به طور محرمانه تحت حفاظت قرار گیرد.

2. Military Commissions

3. Detention, *Treatment and Trial of Certain Non-Citizens in the War Against Terrorism*, at 1(e), 66 Fed. Reg. 57,833, 57,834 (2001) [hereinafter "Military Order"].

4. *Id.* § 2(a)(1)(i)-(iii).

ایالات متحده آمریکا باشد، توسعه داده شده است. فرمان نظامی مقرر می‌دارد که به‌کارگیری اصول قانون و مقررات مختص به شهادت و شواهد که عموماً در محاکمه پرونده‌های کیفری در دادگاه‌های بخش ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخته شده‌اند به موجب این فرمان در کمیسیون‌های نظامی معمول نمی‌باشد.^۱

فرمان تصریح کرده که اقدام اجرایی در سمت قاضی، با توان (۱) تشخیص اینکه چه کسی به عنوان متهم در دادگاه حاضر می‌شود و (۲) صدور رأی حبس ابد برای متهم، خواه مقصر و خواه بیگناه، می‌باشد.^۲ همچنین معیارهای به شدت آسان در رابطه با پذیرش شواهد و مدارک در سراسر فرایند صدور حکم، مجاز هستند^۳ که جلسه استماع و بازجویی در مقابل دوربین و به طور علنی برگزار شود و به هیچ وجه پیش فرض بی‌گناهی وجود نخواهد داشت.^۴ اختیار کیفرخواست برای صدور حکم اعدام اشخاص بنابر نظر اکثریت مقامات مسئول دادگاه، نیز به این کمیسیون‌ها ارجاع داده شده است.^۵

۳. محاکم ائتلافی

ائتلاف بازیگران مختلف بین‌المللی می‌تواند براساس یک معاهده، دادگاهی را به عنوان جایگزین برای دادگاه‌های داخلی تشکیل دهد.^۶ طرفین چنین معاهده‌ای می‌تواند یک کشور و سازمان ملل باشد، همانند نمونه «دادگاه ویژه مستقل مختص به سیرالئون»^۷؛ از طرفی می‌توان کشورهای گوناگون

1. *Id.* 1(f).

2. *Id.* 6(e).

3. *Id.* 4(c)(3).

4. *Id.*

5. *Id.* 4(c)(7).

6. *See, e.g.*, Arab Convention for the Suppression of Terrorism, Apr. 22, 1998, League of Arab States, at <http://al-bab.com/arab/docs/league/terrorism98.htm> (last visited Nov. 10, 2002); Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating International Terrorism, July 1, 1999, at <http://www.oic-un.org/26icfm/c.html> (last visited Nov. 10, 2002); European Convention on the Suppression of Terrorism, January 27, 1977, 1137 U.N.T.S. 93, 94; OAS Convention to Prevent and Punish Acts of Terrorism Taking the Form of Crimes Against Persons and Related Extortion that are of International Significance, February 2, 1971, 1438 U.N.T.S. 191, 195(E), 198(F); OAU Convention on the Prevention and Combating of Terrorism, July 14, 1999, at <http://www.africa-union.org/en/commarchive.asp?Page=2&ID=141> (last visited Nov. 14, 2002); SAARC Regional Convention on Suppression of Terrorism, Nov. 4, 1987, at <http://untreaty.un.org/English/Terrorism/Conv18.pdf> (last visited Nov. 14, 2002).

7. The Case with the Independent Special Court for Sierra Leone

باشند همچون دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو. به عنوان مثال محکمه‌های نورنبرگ به گونه‌ای برگزار گردید که مطابق توافقنامه لندن چهار هم‌پیمان پیروز در جنگ جهانی دوم، موافقت کردند سران عالی مقام نازی را محاکمه کنند.^۱ در این مورد، صلاحیت قضایی دادگاه‌ها آن قدر جهانی نبود که با مجموع صلاحیت قضایی داخلی که هر یک از قدرت‌های متفق و هم‌پیمان برای محاکمه مرتکبان به جنایات جنگی داشتند برابری کند (Alston and Goodman, 2012: 112-114). به طور محتمل ائتلاف برای نیل به توافق نظر به موقع در رابطه با تعریف قابل قبولی از تروریسم است و در این زمینه از یک دادگاه بین‌المللی مناسب‌تر می‌باشد. علاوه بر این، اعضای ائتلاف به‌واسطه همکاری با یکدیگر از مزیت سازمان‌های مالی، حقوقی، سیاسی بین‌المللی یا فراملی برخوردار خواهند شد.^۲

یک دادگاه چندجانبه که از طریق ائتلاف تشکیل شده، بیشتر می‌تواند نشانگر نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف و آرمان‌های سیاسی آن‌ها باشد و لذا به چشم جامعه بین‌الملل، از حال و هوای مشروعیت و بی‌طرفی بیشتری بهره خواهد برد. این حقیقت که دادگاه می‌تواند در جایی به جز کشوری که عمل تروریستی در آن رخ داده مستقر شود، می‌تواند مزیتی تلقی شود، خواه مسائل امنیتی همتا خواه مسائل به شدت اساسی و عادی همچون دسترسی به شواهد و مدارک و شهود.

با این حال ائتلاف قدرتی ندارد تا سایر کشورها را وادار به همکاری در تهیه شواهد و مدارک در رابطه با مظنونین نماید. در نتیجه اعضای ائتلاف مجبورند به معاهدات همکاری و استرداد مجرم موجود و همین‌طور به اصول عرفی حقوق اتکا کنند.^۳

۴. محاکم بین‌المللی با تأکید بر دیوان کیفری بین‌المللی

وقتی توجه از دادگاه‌های ائتلافی منحرف شود، می‌توان دادگاه‌های بین‌المللی موجود را مورد

1. London Agreement, Aug. 8, 1945, Nuremberg Trial Proceedings, vol. 1, at <http://www.yale.edu/lawweb/avalon/imt/proc/imtchart.htm> (last visited Jan. 12, 2003).

۲. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و سال‌های دهه ۲۰۰۰ نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی با کمک میراث محاکم نسل اول در نورنبرگ و توکیو و نسل دوم محاکم موردی، دیوان‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا ظاهر شد. این محاکم نسل سوم که به محاکم کیفری بین‌المللی مختلط یا بین‌المللی شده نیز شناخته می‌شوند آمیزه‌ای از محاکم بین‌المللی و داخلی به عنوان محصول تقسیم مسئولیت قضایی میان کشورهای محل استقرارشان و هویت‌های بین‌المللی می‌باشند. محاکم کیفری بین‌المللی مختلط به خودی خود آشکارترین تجلی نفوذ و تأثیر مفهوم حقوق جهانی بر عرصه عدالت کیفری بین‌المللی هستند (معظمی و نمایان، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

۱. «به اشتباه دستگیر شده، به طور شایسته محبوس شده»: اصلی از قانون استرداد مجرمین که به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد صلاحیت قضایی در خصوص مجرمان را حتی اگر به طور غیر قانونی دستگیر و از کشوری که متهم پیشتر در آن از مصونیت مقامات برخوردار بوده، اخراج شده باشد، احراز کند.

ارزیابی قرار داد. دادگاه عالی در این رابطه، دیوان بین‌المللی دادگستری است. با این وجود دادگاه بین‌المللی تنها در خصوص مناقشات بین کشورها از صلاحیت قضایی برخوردار است. اعمال مجرمانه مرتکبان از شمول صلاحیت آن خارج هستند. اعمال تروریستی تنها در صورتی که توسط یک دولت تضمین مالی شود در حیطه صلاحیت دادگاه بین‌المللی قرار می‌گیرند.

نوع دیگری از دادگاه بین‌المللی، دادگاه موقتی است که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد ایجاد می‌گردد. به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت این اختیار را دارد تا برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقداماتی را به عمل آورد^۱ و این به موجب قدرت و اختیار مندرج در فصل هفتم می‌باشد که شورای امنیت «دادگاه کیفری بین‌المللی» را برای یوگسلاوی سابق^۲ و رواندا^۳ ایجاد نمود تا در مورد فجایع ارتكابی در این کشورها تصمیمات لازم اتخاذ گردد.

مع الوصف، شورای امنیت در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ قطعنامه ۱۳۷۳ را صادر کرد، که طی آن تصریح نمود اقدامات ارتكابی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همانند هر اقدام تروریسم بین‌المللی، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌آید.^۴ قطعنامه صادره این امکان را ایجاد می‌کند تا شورای امنیت بتواند یک دادگاه موقتی را برای محاکمه مرتکبان اعمال تروریستی تشکیل دهد. چنین دادگاهی به قضاوت قاطع در مورد مرتکبان اعمال تروریستی می‌پردازد. شورای امنیت با توسل به اختیارات موجود در فصل هفتم منشور ملل متحد می‌تواند کشورهای عضو این سازمان را وادار به همکاری با دادگاه کند. البته قضاوت به همان شیوه‌ای خواهد بود که در دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی رواندا صورت پذیرفته است.

با این وجود شورای امنیت فهرست مختصری از قضات را برای این دادگاه‌ها تهیه نمود و مجمع عمومی سازمان ملل متحد انتخاب نهایی قضات را از روی فهرست مذکور به عمل آورد. مشارکت مجمع عمومی به نمایندگی منافع نظام‌های حقوقی مختلف جهان اختصاص دارد؛ هر چند که شورای امنیت توانایی گزینش به میزان سهم خود را دارا باشد. به این ترتیب پنج عضو دائمی در جایی از حق وتو برخوردارند که هر یک از آنها معتقد باشند که مجمع عمومی قضات یا دادستان‌های مناسبی را منصوب کرده است. در ضمن شورای امنیت می‌تواند در مورد مقررات مربوط به رویه

1. U.N. Charter art. 39.

2. *Security Council Resolutions on The Establishment of an International Tribunal for the Former Yugoslavia*, S.C. Res. 808, 827, reprinted in 14 Hum, Rts. L.J. 197 (1993).

3. *Statute of the International Tribunal for Rwanda*, S.C. Res. 955, reprinted in 33 I.L.M. 1590 (1994).

4. U.N. SCOR, 56th Sess., 4385th mtg., U.N. Doc. S/RES/1373 (2001).

قضایی یا شهادت در دادگاه جدید تصمیم لازم را اتخاذ نماید.

دادگاه از اختیارات قاطع شورای امنیت برخوردار بوده و لزوماً اجباری ندارد برای کسب و تحصیل شواهد و مدارک یا دستگیری مظنونین، به معاهدات استرداد مجرم و معاهدات همکاری دشوار و پیچیده اتکا کند. یک مجموعه واحد از قوانین شکلی و ماهوی در طول مدتی که دادگاه در حال فعالیت است برای کلیه طرفین معاهده به کار گرفته می‌شود و این جامعیت موجب از بین رفتن عدم قطعیت و پیامدهای غیرعادلانه می‌باشد. زیرا دادگاه‌های مذکور بر اساس اختیارات شورای امنیت مندرج در فصل هفتم منشور ملل متحد تشکیل شده‌اند و امکان دارد تنها برای مقابله با تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی دایر شوند. نتیجتاً دادگاه‌های مذکور از صلاحیت جغرافیایی و زمانی معین و محدودی برخوردارند و وقتی وظایف خود را به انجام برسانند منحل خواهند شد. با این حال تا آنجا که تروریسم یک پدیده پایدار با انگیزه‌هایی متنوع به گستردگی و پراکندگی اهدافش (جایی که مورد حمله قرار می‌دهد) بوده، این مسئله که «آیا می‌توان یک چنین دادگاهی را به محاکمه مرتکبان به اعمال تروریستی اختصاص داد؟» یک معضل چالش‌برانگیز محسوب می‌شود.

چنین دادگاهی یک شکل دیگر هم دارد: اگر قرار باشد این قبیل دادگاه‌ها برای دایر شدن و اجرای قضاوت خود متکی به حمایت شورای امنیت باشند، با خطر سابوتاژ سیاسی به واسطه به‌کارگیری حق وتو از سوی یک یا چند عضو دائمی شورای امنیت مواجه خواهند شد. تأخیر در تشکیل یک دادگاه موقتی می‌تواند به از بین رفتن شهود و شواهد و مدارک با ارزش منتهی گردد. همچنین با توجه به اینکه دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد، اعضای شورای امنیت می‌توانند قبل از تشکیل یک دادگاه دیگر در خصوص اختیار و صلاحیت محاکمه مرتکبان به اعمال تروریستی، تعلل ورزند. پس از بحث راجع به انواع دادگاه‌هایی که قادر به محاکمه مرتکبان به اعمال تروریستی هستند، از این رو به تحلیل و ارزیابی مزایا و معایب دیوان کیفری بین‌المللی می‌پردازیم.

ابتدا یک نظر بدیهی و آشکار: اساسی‌ترین نقش دیوان کیفری بین‌المللی، ارائه یک دادگاه کارآمد و مؤثر است که می‌توان در آن مرتکبان جرائم خاص را به موجب حقوق بین‌الملل کیفری محاکمه نمود. در پرتو این رسالت، جالب است یادآور شویم که اساسنامه رُم، دیوان کیفری بین‌المللی را به عنوان دادگاه اصلی برای چنین محاکمه‌هایی در نظر نمی‌گیرد. مسئولیت بازجویی و محاکمه مرتکبین جرائمی که در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار می‌گیرند در گام نخست به عهده دادگاه‌های داخلی است که صلاحیت قضایی را تنها در زمانی به دیوان ارجاع می‌دهد که کشور دارای صلاحیت اصلی و اولیه، تمایلی به بازجویی و محاکمه مجرم مورد نظر نداشته باشد یا اینکه توان محاکمه را نداشته

باشند.^۱

به علاوه اصل تکمیلی عواقب گوناگونی را در پی دارد. اول، نگرانی از اینکه دیوان بتواند به حق حاکمیت کشورها تعدی کند را از بین می‌برد. دوم، وجود صرف صلاحیت قضایی بالقوه دیوان در خصوص جرائم خاص می‌تواند همانند انگیزه‌ای برای کشورها جهت گنجاندن آن جرائم در قوانین داخلی آن‌ها عمل کند که در نتیجه در بازجویی راجع به تخلفات ادعا شده تلاش مضاعف صورت می‌پذیرد. سوم، در صورتی که دادگاه‌های داخلی نتوانند در مورد مسئله‌ای در چهارچوب صلاحیت قضایی دیوان قضاوت نمایند و حکم لازم را صادر کنند دیوان قادر خواهد بود و به موجب آن، هر دو تضمین می‌کنند که جرائم خطیر و جدی بدون مجازات نمی‌مانند و معیار مجازات و عقوبت تأیید شده توسط نظام بین‌المللی بر علیه مرتکبین جرائم و اعمال شرارت‌آمیز مقرر می‌گردد.^۲

شایان ذکر است مقررات دیوان در رابطه با شهادت و شواهد، حفاظت از شهود و محاکمه به طرز خاصی هماهنگ شده‌اند تا براننده جرائمی باشند که در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار می‌گیرند.^۳ علاوه بر این، راهبردهای کیفری دیوان، هر دو معیار اعاده‌ای و غرامتی را در نظر گرفته‌اند^۴ و حمایت نهادینه بیشتر از طریق بزه‌دیدگان و شهود تأمین خواهد شد.^۵ انتظار می‌رود این طرح‌ها نتایج مشابهی را برای اجرای قانون، بزه‌دیدگان و جوامعی که جرم در آن‌ها واقع می‌شود به بار بیاورند. مع‌ذالک عملکرد دیوان کاملاً برنامه‌ریزی شده است. امکان دارد شورای امنیت یا یک کشور طرف اساسنامه^۶ پرونده‌ای را به دیوان ارجاع دهد. به گونه‌ای دیگر، ممکن است دادستان بازجویی را آغاز کند. در این صورت دیوان به طور محض وابسته به ارجاع شورای امنیت نمی‌باشد و لذا از تمایل سیاسی اعضای دائمی شورای امنیت آسیب کمتری می‌پذیرد. بهترین اقدامی که شورای امنیت می‌تواند برای ممانعت از فعالیت دیوان انجام دهد این است که به دیوان دستور دهد بازجویی را به مدت ۱۲ ماه قابل تمدید به تأخیر اندازد.^۶ بنابراین یک عضو دائمی نمی‌تواند از حق وتوی خود برای تعلیق بازجویی استفاده کند. به این ترتیب پرونده‌های آتی به احتمال کمتری ممانعت می‌شوند،

1. *Id.* art. 17.

۲. یک مشکل اصل تکمیلی این است که کشورها را از ایجاد بازجویی‌های ساختگی برای ممانعت از اعمال صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی منع نمی‌کند. مع‌هذا اگر چنین شود دیوان باز هم می‌تواند قضاوت را به انجام برساند، اما در این فاصله امکان از دست دادن زمان و مدارک با ارزش وجود دارد.

3. *Id.* art. 69, 68, 70, and pt. 6.

4. *Id.* art. 75.

5. *Id.* art. 43(6).

6. *Id.* art. 16.

اگرچه ارجاع پرونده از شورای امنیت به دیوان همیشه مفید واقع شده، اما صلاحیت قضایی دیوان در مورد افراد و شواهد و مدارک (تابع) منوط به تصویب کلیه دولت‌های عضو اساسنامه رم نمی‌باشد.^۱ دیوان کیفری بین‌المللی در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که حداقل یکی از دولت‌های ذیل عضو اساسنامه باشند یا صلاحیت دیوان را مطابق بند ۳ ماده ۱۲ پذیرفته باشند:^۲

۱. دولتی که در قلمرو آن فعل یا ترک فعل مورد نظر رخ داده یا در صورتی که آن جرم در کشتی یا هواپیما ارتکاب یافته، دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است.
۲. دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب تبعه آن است.

با این حال موارد فوق بدان معناست که مرتکب نمی‌تواند با گریختن به کشوری که عضو دیوان نیست، از دایره شمول صلاحیت قضایی دیوان بگریزد. حتی اگر هیچ یک از دولت‌های بزه‌دیده عضو دیوان نباشند، هر یک از آن‌ها می‌توانند در برابر صلاحیت قضایی دیوان در خصوص محاکمه مرتکب یا مرتکبان سر تسلیم فرود آورند. به علاوه در چنین مواردی دیوان حق ندارد یک کشور غیر عضو را وادار به استرداد مظنون نماید؛ البته این در مورد دادگاه‌ها و در صورت عدم توافق قبلی با کشور مسترد کننده یا اعطای اختیار به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد صدق می‌کند. به هر حال شاید برخی دولت‌ها ترجیح دهند مظنون را در مقابل استرداد به کشور بزه‌دیده، به دیوان مسترد کنند. در رابطه با دولت‌های عضو، دیوان مجبور نیست به معاهدات پیچیده استرداد مجرمین و همکاری به منظور کسب شواهد و مدارک و استرداد مظنونین اتکا کند. زیرا کلیه دولت‌ها عضو متعهد هستند با دادگاه بین‌المللی همکاری کنند.^۳

اساسنامه رم انواع راهبردهای استاندارد و متعادل برای تضمین عملکرد شفاف و صریح دیوان کیفری را در بر دارد. حتی اگر دولتی با منافع موجود یا ارتباط مستقیم با موضوع، پرونده‌ای را به دیوان ارجاع دهد، چنین صراحتی باعث تحلیل رفتن مفهوم «عدالت فاتح»^۴ خواهد شد و همین مسئله موجب ارتقای اعتبار دیوان و دادستان می‌شود. شفافیت دیوان به قدر کافی ممتاز و متمایز است که ارزش مطرح کردن تعدادی از معیارهای اساسنامه برای عملیاتی نمودن اهداف فوق را دارد:

۱. قضات دیوان برای انتخاب شدن به دو سوم اکثریت آراء مجمع دولت‌های عضو نیاز دارند.

۱. شورای امنیت می‌تواند از اختیارات فصل هفتم منشور ملل متحد برای وادار کردن اعضای سازمان ملل به همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی استفاده کند.

2. *Rome Statute*, art. 12(2)(a)–(b).

3. *Id.* art. 86.

4. Victor's Justice

این ضامن بی طرفی آن‌ها و نمایندگی جامعه قضایی موجود در بیشتر کشورهاست.^۱

۲. دادگاه پیش از آغاز محاکمه، با سه قاضی بر فعالیت دادستان به طور مستقل نظارت خواهد کرد و قبل از بازجویی در خصوص هر جرمی تأییدیه این دادگاه لازم است.^۲

۳. حتی اگر کشور متهم عضو دیوان نباشد، کشور موردنظر یا خود متهم می‌توانند در حضور یک دادگاه بی طرف با قضات دیوان کیفری مخالفت کنند و در جلسات دادرسی شرکت نمایند.^۳

۴. اساسنامه رُم، عالی‌ترین معیارهای رویه قضایی مناسب و شایسته را تضمین کرده است. در پیشبرد این هدف، هر شخصی حق دارد به علت دستگیری و توقیف غیرقانونی یا حبس نادرست که موجب تضرر و خسارت گردیده است حق قابل اعمال مطالبه غرامت را درخواست کند.^۴

افزایش همکاری بین‌المللی که از طریق دیوان کیفری بین‌المللی امکان‌پذیر است باعث ایجاد ثبات و کارایی بین‌المللی بیشتر در مبارزه با تروریسم می‌شود. همین ماهیت تروریسم، در صورتی که قرار باشد به طور مؤثر و کارآمد سرکوب شود، ضرورت همکاری بین‌المللی را ایجاب می‌نماید. با این حال آن روی سکه این است که موفقیت دیوان کیفری بین‌المللی تا حد زیادی منوط به همکاری بین‌المللی است. اساسنامه رُم و مقررات مربوط به شواهد و مدارک و رویه قضایی حاوی مقرره‌های مبسوطی در خصوص این همکاری هستند اما باید دید که دولت‌های عضو از این مقرره‌ها حمایت خواهند کرد؟^۵ اگر یک دولت عضو از تقاضایی سرپیچی کند می‌توان موضوع را به مجمع دولت‌های عضو ارجاع داد، یا زمانی که رجوع از آن حاصل شده باشد می‌توان آن را به شورای امنیت ارجاع داد.^۶

این حقیقت که جرم تروریسم تنها از طریق اصلاحیه در حیطه صلاحیت قضایی دیوان گنجانده می‌شود (که نمی‌تواند زودتر از هفت سال بعد از اجرایی شدن اساسنامه صورت گیرد) از کارایی

1. *Id.* art. 36.

2. *Id.* art. 15, 39.

3. *Id.* art. 19.

4. *Id.* art. 85.

۵. ماده ۸۶ یک الزام و تعهد عمومی را برای تمام دولت‌های عضو جهت همکاری کامل با دیوان در بازجویی و محاکمه جرائم مقرر کرده است. ماده ۸۸ برای ممکن ساختن آن تصریح کرده که «دولت‌های عضو تضمین خواهند کرد که در قوانین ملی خود روش‌های مناسب برای تحقق گونه‌های مختلف همکاری را پیش‌بینی کنند.» اساسنامه رُم تمهیداتی برای روش‌های ویژه همکاری دولت‌های عضو با دیوان اندیشیده است که شامل دستگیری و استرداد مجرم در قلمرو دولت‌ها (ماده ۸۹)، بازجویی و تفحص و جمع‌آوری شواهد و مدارک (ماده ۹۳)، حفظ جان شهود و بزه‌دیدگان (ماده ۹۳ (۱) (K)) و اجرای حکم صادره از سوی دیوان و حکم غرامت و جریمه نقدی (ماده ۱۰۹) می‌باشد.

6. *Rome Statute*, art. 87.

دیوان به عنوان دادگاهی برای محاکمه کردن اعمال تروریستی می‌کاهد.^۱ در ضمن اگر چنین اصلاحیه‌ای شامل حال اساسنامه شود تنها برای دولت‌هایی لازم‌الاجرا است که آن را پذیرفته‌اند.^۲ در همین اثنا باید از انواع دیگر دادگاه‌ها برای محاکمه هر نوع عمل تروریستی که رخ می‌دهد استفاده کرد، مگر اینکه چنین اعمالی در تعریف یکی از جرائم موجود در حیطه صلاحیت دیوان قرار گیرند.^۳ به طور طبیعی امکان دارد دولت‌های عضو به مخالفت با تعریف تروریسم ادامه دهند یا اینکه فقط تعریف محدودی از این جرم را بپذیرند.

یک عامل بیرونی چالش‌زا که بر دیوان تأثیر می‌گذارد باید مورد بحث قرار گیرد؛ یعنی مخالفت فعالانه‌ای که دیوان از سوی ایالات متحده آمریکا با آن مواجه می‌شود. «بیل کلینتون» در تاریخ ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰ اساسنامه ژم را امضاء کرد، اما در ماه مه سال ۲۰۰۲، «جورج بوش» از دستگاه حکومتی خود خواست تا به طور رسمی به سازمان ملل متحد ابلاغ کند که ایالات متحده آمریکا اقداماتی را برای مخالفت با دیوان به عمل خواهد آورد و عملاً اساسنامه را به امضا نرساند و این رفتاری بود که قبلاً از سوی ایالات متحده آمریکا سر نزده بود. توجیهات اصلی برای اتخاذ سیاست فوق این بود که ایالات متحده آمریکا حق قضاوت دیوان بر اتباع دولت‌های غیر عضو را به رسمیت نمی‌شناخت و از محاکمه آمریکایی‌ها که جنبه سیاسی پیدا کرده نگران بود.

در نبود قوانین مصوب بین‌المللی در مبارزه با تروریسم؛ رسیدگی تخلفات نظامیان از دو طریق قابل انجام می‌باشد. نخست با تشکیل دادگاه‌های نظامی در کشورهای درگیر با تروریسم به شیوه‌ای عادلانه و متناسب با رتبه و موقعیت مجرمان، دوم با تعریفی جامع از تروریسم بستر تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی صالح برای رسیدگی به موارد نقض حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی ایجاد شود (سمندری، میری‌لواسانی و صادقی‌زیاری، ۱۴۰۳: ۴۷). این در حالی است که دولت بوش پس از تصویب اساسنامه، با همکاری کنگره ایالات متحده آمریکا به یک سری اقدامات مورد نظر برای تضمین بخشودگی هر یک از اتباع‌اش که به حضور دیوان فرا خوانده شده مبادرت ورزید. قانون مصونیت نظامیان آمریکا^۴ توسط مجلس و سنا در ۲۴ جولای ۲۰۰۲ به تصویب رسید و در ۲ اگوست ۲۰۰۲ توسط «جورج بوش» به امضا رسیده و لازم‌الاجرا گردید.^۵ مع‌هذا قانون مصونیت

1. *Id.* art. 121(1).

2. *Id.* art. 121(5).

3. *See supra* text accompanying note 9.

4. American Servicemember's Protection Act.

5. American Servicemember's Protection Act, H.R. 4775, 107th Cong. (2d Sess. 2002).

نظامیان آمریکا شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. منع همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی، ۲. محدودیت مشارکت آمریکا در عملیات حفظ صلح سازمان ملل، ۳. منع انتقال مستقیم یا غیرمستقیم اطلاعات امنیت ملی طبقه‌بندی شده به دیوان کیفری بین‌المللی (شامل اطلاعات اجرایی)، ۴. منع همکاری نظامی ایالات متحده آمریکا با دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی، ۵. تجویز اختیار عمل قانونی برای اعضای داوطلب (آزاد) نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و سایر اشخاصی که توسط دیوان کیفری بین‌المللی یا از طرف آن بازداشت یا زندانی شده‌اند.

هرچند این قانون قاطع و سختگیرانه است، اما «جورج بوش» که از حق نادیده گرفتن موارد اجرایی‌اش برخوردار است و پس از آن، موردی که تصریح می‌کند این قانون مقررهای ندارد که آمریکا را از همکاری با تلاش‌های بین‌المللی برای کشتادن صدام حسین، اسلوبودان میلوسویچ، اسامه بن‌لادن، رهبران جهاد اسلامی^۱ و دیگر اتباع خارجی متهم به نسل‌کشی، جنایات جنگی یا ضدبشری باز دارد، می‌تواند قدرت اجرایی آن را کاهش دهد.^۲

شورای امنیت به علت مخالفت آمریکا با دیوان، قطعنامه‌ای را در ۱۲ جولای ۲۰۰۲ صادر نمود که در آن دیوان را مکلف ساخت تا هرگونه بازجویی و محاکمه مربوط به مقامات جاری و اسبق یا پرسنل کشورهای غیرعضو به دلیل فعل یا ترک فعل مرتبط با عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد را به تعویق اندازد.^۳ از این رو مراتب فوق براساس انطباق با مقررهای ماده ۱۶ اساسنامه رم صادر گردیده و به مدت یک سال از اول جولای ۲۰۰۲ اجرایی خواهد بود، مگر اینکه شورای امنیت تصمیم دیگری را اتخاذ نمایند.^۴

نتیجه

دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند یک دادگاه بسیار مؤثر و کارآمد برای محاکمه مرتکبان به اعمال تروریستی باشد. بنابراین تحقق آن منوط به حمایتی است که دیوان از سوی جامعه بین‌المللی دریافت می‌کند، به روشی که در طول سال‌های اول فعالیتش طبق آن عمل می‌کند و به انواع بازجویی‌ها و محاکمه‌هایی که به اجرا در می‌آورد. هر چند محتمل است که بیشتر پرونده‌هایی که در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار دارد از سوی کشورهای منفردی که قضاوت خود را اعمال می‌کنند حذف شوند، اما دیوان مانند یک شبکه امن عمل خواهد کرد که تضمین می‌کند پرونده‌های مهم از چنگال

1. leaders of Islamic Jihad

2. *Id.* Title II, 2015.

3. S.C. Res. 1422, U.N. SCOR, 4572d Meeting, U.N. Doc. S/RES/1422 (2002).

4. *Rome Statute*, art. 16.

محاکمه فرار نمی‌کنند.

اگر دیوان در سال‌های آتی با کارایی و شفافیت عمل کند هیچ شکی نیست که دیوان می‌تواند یک ابزار قدرتمند در مبارزه با تروریسم باشد. از این رو نباید رابطه مهم بین صلح و آرامش و محاکمه توسط یک دادگاه بی‌طرف را دست کم گرفت. به علاوه اگر دیوان عدالت شکلی و ماهوی را در سال‌های اول فعالیت خود ارتقاء دهد آنگاه می‌تواند تأثیر بازدارندگی چشمگیری بر روی اعمال تروریستی در آینده داشته باشد.

تمام کشورهای که به حقوق بشر احترام می‌گذارند، باید در انتخاب ابزاری برای مبارزه با تروریسم، پرتلاش و ساعی باشند و تضمین کنند همان آرمان‌هایی را که مدعی حفاظت از آنها هستند، بزه‌دیده نخواهد کرد و اگر چنین شود گروه‌های تروریستی که اغلب مخاصمات علیه همین آرمان‌های حقوق بشر در می‌گیرد به پیروزی وحشتناکی خواهند رسید.

در قرن گذشته پیشرفت اطمینان‌بخشی در تدوین قوانین جهانی بر ضد خطرناک‌ترین جرائم بین‌المللی وجود داشته است. ما در آستانه داشتن اولین ابزار بین‌المللی کارآ و مؤثر برای اجرای آن قوانین قرار داریم. با این حال دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند با حمایت کافی، یک سازوکار پر قدرت باشد و مخصوصاً به‌واسطه وجود شفافیت و تعهدش نسبت به آرمان‌های حقوقی مورد احترام بیشتر نظام‌های حقوقی ملی، می‌تواند یک ابزار باورپذیر و مطمئن باشد.

منابع

فارسی

- اسماعیل‌زاده، یاسر. (۱۴۰۲). پدیداری موج پنجم تروریسم در جهان. پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۲): ۵۴-۷۸.
- سمندری، ابراهیم؛ میری‌لواسانی، سمیه‌سادات و صادقی‌زیاری، حاتم. (۱۴۰۳). مشروعیت نیروهای نظامی در مبارزه با تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌المللی: یک مرور روایتی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۴): ۴۷-۶۶.
- فرهادنیا، سعید و هنجنی، سیدعلی. (۱۳۹۸). چالش‌های حقوق بین‌الملل کیفری در مبارزه با تروریسم. پژوهش‌های حقوقی، ۱۸(۴۰): ۲۹-۷.
- حیدری‌فرد، مهدی و پورقصاب‌امیری، علی. (۱۴۰۰). جنگ جهانی علیه تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه. مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۴(۲): ۳۳-۹.
- معظمی، شهلا و نمایان، پیمان. (۱۳۹۴). نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی: دستاوردها، هنجارها و چالش‌ها. پژوهش حقوق کیفری، ۳(۱۱): ۱۴۶-۱۱۳.

انگلیسی

- Alston, Philip and Ryan Goodman. (2012). *International Human Rights*, Oxford University Press.
- Anderson, Kenneth. (2002). What to Do with Bin Laden and Al Qaeda Terrorists?: A Qualified Defense of Military Commissions and United States Policy on Detainees at Guantanamo Bay Naval Base, *Harvard Journal of Law & Public Policy*, 25(2): 593-634.
- Boister, Neil. (2009). Treaty Crimes, International Criminal Court?, *New Criminal Law Review: An International and Interdisciplinary Journal*, 12(3): 339-352.
- Defossez, Delphine. (2021). The Concept of Terrorism: Time to Abandon the National Approach to International Law. *CIFILE Journal of International Law*, 2(3): 1-13.
- Ginsborg, Lisa. (2021). *Moving Toward the Criminalization of Pre-Crime*, in A. Vedeschi & K. Scheppele (Eds.), *9/11 and the Rise of Global Anti-Terrorism Law: How the UN Security Council Rules the World (Global Law Series)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kumar Kaytal, Neal & Laurence H. Tribe. (2002). Waging War, Deciding Guilt: Trying the Military Tribunals. *The Yale Law Journal*, 111(6): 1259-1310.
- Margariti, Stella. (2018). Defining International Terrorism to Protect Human Rights in the Context of Counter-Terrorism in Security and Human Rights. *Security and Human Rights*, Brill, 29(4): 173-198.
- Trapp, Kimberley N. (2023). *The ICJ and International Terrorism*, in: Max Planck Yearbook of United Nations Law Online, Publisher Brill Nijhoff, 26(1): 534-576.
- Stewart, David P. (2018). Terrorism and Human Rights: The Perspective of International Law. *Policy Paper*, 4 JUNE, Middle East Institute.
- Strobel, Kathrin (2021), *Organized Crime and International Criminal Law History; Lex Lata and Developments De Lege Ferenda*, Brill's Publications.